



محمد رضا فیض مهدوی

وکیل دادگستری

## چگونه باید بکار و کالت آغاز کرد

لوئیس کارول نویسنده کتاب ماجراهای آلیس<sup>۱</sup> در سرزمین عجایب عبارت مناسبی دارد که مصداق حال است او میگوید:

«خرگوش سفید مؤدبانه پرسید خدایگانا کار را از کجا آغاز کنیم؟ ملک با قیافه جدی گفت از اول آغاز کن و آنرا ادامه بده تا هنگامیکه پایان برسد و سپس دست از کار باز دار». این اندرز گفته‌ای پسندیده است که به کار وکلای دادگستری و ارباب هرگونه حرفه دیگری هم می‌آید.

این پرسش بسادگی برای هرکس پیش می‌آید که با وجودی که کار وکالت دادگستری در دایره عدالت محدود و از شعاع عمل دادگستری بیرون نیست چرا اشخاص به جامعه وکالت می‌پیوندند؟ علت آنکه وکلای دادگستری در خردوریز و جزئیات زندگی دیگران دخالت میکنند چیست؟

اگر چنین بیندیشیم که اغلب وکلا تنها با انگیزه خدمت به خلق و حفظ حقوق ستمدیدگان از این راه وارد میشوند شاید پاسخ این پرسش جالب باشد.

باید اعتراف کرد که این حمیت اجتماعی را شاید اغلب طبقات و صنوف اجتماع مانند وکلای دادگستری دارند در عین آنکه موجبات و اسباب آن در همه رسته‌های اجتماع وجه اشتراك واحدی ندارد. چنانکه کارسون<sup>۲</sup> بعلت فشار پدر و مادر شغل وکالت را برگزید و روفس ایزاک<sup>۳</sup> پس از آنکه زیر ضربه خردکننده

- 1- Louois Carroll
- 2- Alice's Adveutur in Wonderland
- 3- Carson
- 4- Rufus Isaac

ورشکستگی معاملات قرار گرفت بدین حرفه تن در داد و مارشال هال<sup>۱</sup> که قبلا قصد ورود بکلیسا و خدمات روحانی را داشت تنها بمنظور بدست آوردن پول برای ازدواج تغییر مسیر داد و وکالت دادگستری را انتخاب کرد. انگیزه هیچیک از این سه تن که هر سه تقریباً در یکزمان پا بدایره شغل وکالت نهادند (با اختلاف شش سال) باهم وجه اشتراك نداشت و حال آنکه هر سه نفر از پیشرتازان جامعه وکالت دنیا بشمار میروند.

برای دریافتن انگیزه و حقیقت امر باید به رویدادهای محاکماتی در قرن اخیر توجه کرد و علل و عواملی را که در حداعلای اختلاف و تنوع است از دل دعاوی از قبیل توهین، تهدید، غرق کشتیها، قتلها، جادوگری بیرون کشید. بدیهی است در رهرو این پژوهش عظیم با وکلانی از هرگروه و طائفه که در هر دعوی و قضیه وارد و بار سنگین دفاع را بدوش کشیده اند روبرو میشویم و بعلم و موجباتی که آنها را در این جهاد انسانی وارد کرده میتوان واقف شد. در اینجا از لحاظ تسلسل موضوع جریان دو دادرسی بطور اختصار ذکر میشود دعاوی اولی که مربوط به شرکت محدود تبلیغاتی نیوارک<sup>۲</sup> و پارل بی لاسکی<sup>۳</sup> بوده و دعوی دوم که مربوط به قتل در پیزن هال<sup>۴</sup> بوسیله ویلیام گاردینر<sup>۵</sup> است. این دو محاکمه از لحاظ سرنوشت نابسامانی که بواسطه عدم دخالت وکیل پیدا کرده واجد اهمیت بسیار میباشد و هر دو دادرسی نمونه کامل و یا حداقل نمودار عدم توفیق دستگاه است در رسیدن بمطلوب و اثبات منظور و عدم حصول موفقیت کلا و یا در قسمتی نتیجه بلافصل عدم دخالت وکیل در امر دادرسی بوده است.

با وجودیکه همه وکلا در برابر قانون و در محکمه یکسانند معذالك پاره ای از وکلا با نمود شخصیت خود عدم تساوی و برابری و ارجحیت خود را ثابت میدارند. گرچه این موضوع ممکنست در احکام صادره نیز انعکاس یافته و در جریان عمل امری چاره ناپذیر باشد ولی این رجحان و مزیت در نظریه فقها و دانشمندان حقوق و جاعلین قوانین تأثیری برجای نمیگذارد. وکیل دادگستری برسر دوراهی نواقص داستانی شغل وکالت و تحول و پیشرفت غیر عادی زمان باید بدنبال ندای وظیفه و ضیید مقصود خود برود و اهمیت این مجاهده وقتی بیشتر محسوس میشود که بدانیم رویه شغلی او از دویمت سال پیش تا بحال تغییر اساس پیدا نکرده و او ناگزیر است در میدان مبارزه خود با تیروگمان بچنگت موشك قاره پیما و سلاحهای مدرن دیگر برود زیرا شرائط اجتماعی از زمانی که پدیده وکالت دادگستری در افق اجتماع طلوع کرد فرق بسیار کرده است. وکیل بخوبی میداند که اگر سیستم اجتماع در جهت یکنواخت کردن اختلاف هوش و زرنگی تغییر شکل بدهد او در این رهرو بیش از آنکه سود ببرد زیان خواهد کشید. زیرا دهانه زدن باستعدادهای

- 1- Marshal Hall
- 2- The Newark Advertiser Coltd & Parlyb
- 3- Laski
- 4- Peasen Hall Murder
- 5- William Gardiner

طبیعی وکیل بمنزله محرومیت از آزادی و استقلال فردی اوست که خود قدرتی عظیم برای پیشرفت در وضع کار و نظام قضائی بوده و از جهات مؤثر در جاذبه و فریبندگی شغلی وکیل میباشد و این اصل را هیچگاه نباید فراموش کرد که استقلال شغلی و فردی وکیل سنگت زیربنای حیات شغلی وکیل دادگستری است. لاسکی<sup>۱</sup> - اینک تفصیل دو دادرسی پیشگفته بیان میشود تا خیلی از نکاتی که در رویه و عمل وکلای دادگستری برای پیشبرد مقصود و نتیجه رسانیدن یک محاکمه لازم است آشکار شود. دعوی شرکت محدود تبلیغاتی نیوارک<sup>۲</sup> و پارلبی<sup>۳</sup>: روز شنبه ۱۶ ژوئن ۱۹۵۴ در گرماگرم بازار انتخابات عمومی پرفسور هارولد لاسکی<sup>۴</sup> از روی یک ماشین بارکش خطاب بده<sup>۵</sup> پانصد نفری که بر سر بازار نیوارک ناتینک هام شایر<sup>۶</sup> جمع شده بودند بسود نامزدهای حزب کارگر نطقی ایراد کرد که در حدود سه ربع ساعت طول کشید پس از پایان میتینگ روزنامه نگاری بنام آقای ونتورثدی<sup>۵</sup> با فریادهای تحقیرآمیز او را متهم کرد که بواسطه بزدلی در تمام دوران جنگ دوم جهانی او بآمریکا پناه برده و در آنجا سکونت کرده است و از او پرسید برای چه لاسکی علی رؤس الاشهاد از انقلاب توأم با خشونت در دو سخنرانی قبلی خود طرفداری کرده آقای پارلبی<sup>۶</sup> مدیر مؤسسه تبلیغاتی نیوارک<sup>۷</sup> تحت عنوان «بازگشت بخشونت» پاسخ لاسکی را چنین نقل کرد:

او ادامه داد که در مسأله خشونت اگر کارگر نتواند نیازمندیهای خود را با رضایت و توافق کلی بدست آورد «باید خشونت بکار برد اگر چه این خشونت بمعنای انقلاب باشد» لاسکی تأکید کرده که پاسخ او در معنی اختلاف فاحش با آنچه مدیر مؤسسه نیوارک باو نسبت داده دارد چون آنچه او گفته در جهت انقلاب توأم با صلح و سلم بوده زیرا او بخوبی میدانند که بهمن انقلاب همه مردم کشور را در زیر خود مدفون و برای همه مردم شور بختی ببار میآورد و فرصت تحول و تکامل را از دست همه کس میگیرد.

باید اضافه کرد که لاسکی علاوه بر کرسی پرفسوری علوم سیاسی دانشگاه لندن رئیس کمیته اجرائی حزب کارگر نیز بوده او قبلا از این لحاظ مورد انتقاد قرار گرفته بود که رئیس حزب کارگر را تحت تلقینات سیاسی خود قرار داده است بنابراین گزارشی از ناحیه او آنهم بشکلی که مؤسسه تبلیغاتی نیوارک بمردم لندن تحویل داد بوسیله مطبوعات دست راستی بمنزله چوبی بود که طبل تبلیغات سیاسی آنها را بصدا درآورد. در تاریخ ۲۰ ژوئن لاسکی بعنوان افترا از مطبوعات لندن و در تاریخ ۲۲ ژوئن بهمین عنوان از مؤسسه تبلیغاتی نیوارک بدادسرا

- 1- Laski
- 2- The Newark Advertiser Co. Ltd. & Barlby
- 3- Prof Harold Laski
- 4- Newark Nittighame Shire
- 5- Mr Wentworth Day
- 6- Parlby
- 7- Newark

شکایت کرد.

دادخواست متضمن این نکته بود که خبر بطور بداندیشانه و مغالطه‌آمیز بمطبوعات داده شد و با ایماء و اشاره خبر مزبور این معنی را میرساند که قصد لاسکی آنست بوسیله توطئه با دیگران جنایاتی از قبیل خیانت، آشوب، بلوا، برهم زدن امنیت و نظم عمومی (که مجموعاً بزهکاریهایی است که یکنفر محرک انقلاب در مدنظر دارد) را بمرحله فعلیت درآورد؛ و بنابراین حیثیت و شهرت اجتماعی لاسکی لطمه شدید دیده دفاع در برابر اتهام مزبور چنین بود که خبر درست و دقیق و روشن بوده و استنباط کنایتی از جملات آن صحیح نیست. نه‌ماه بعد این نکته از طرف متشککی‌عنه بدفاع افزوده و گفته او بدین طریق اصلاح شد که واژه‌های منعکس در خبر از لحاظ ماهیت و حقیقت درست و صحیح بوده است و برای اثبات حقانیت این معنی ملخص عده‌ای از سخنرانیمها و کتابچه‌ها و کتابهایی که لاسکی درخلال زندگی فعال سیاسی‌خود «انقلاب خشونت‌آمیز» را در نیوارک تبلیغ کرده ضمیمه برگزیده اصلاحیه فوق شده بود محاکمه بطرفیت مؤسسه تبلیغاتی نیوارک و پارل‌بی آغاز و مدت پنج روز ادامه یافت. هیئت منصفه برای اخذ تصمیم در این موضوع که آیا خبر منعکس در مطبوعات تا آنجا که مطلب با جنبه عمومی ارتباط دارد خبری مناسب و پسندیده است یا نه؟ درست چهل دقیقه در مشورت بود از افق نظری هیات منصفه چنین آشکار بود که هیات مزبور در کار اخذ تصمیم در این باره نیست که آیا لاسکی واقعاً دفاع از خشونت میکند یا نه بلکه تصمیم آنها در واقع دور این مسأله چرخ میزد که آیا واژه‌هایی که نیوارک<sup>۱</sup> درباره او بکار برده از شخص اوست یا نه و آیا جملات و عبارات یاد شده از طرف مؤسسه مزبور بطور مناسب و پسندیده بکار رفته یا نه؟ و دادرسی با این کیفیت از نتیجه و نصب‌العین واقعی منعطف و مختل ماند و حال آنکه اگر یکنفر وکیل دادگستری در چنین امر مهم اجتماعی دخالت میکرد مسأله باین کیفیت معوق و بی‌حاصل نمیماند بلکه در مسیر واقعی خود تا حصول نتیجه نهائی میافتاد.

۲- دادرسی ویلیام گاردینر<sup>۲</sup>

در روز اول‌ماه می ۱۹۰۱ دونفر جوان بنام رایت<sup>۳</sup> اسکینر<sup>۴</sup>، ویلیام گاردینر<sup>۵</sup> رزهارست<sup>۶</sup> را دیدند که بدرون کلیسای پیزن‌هال<sup>۷</sup> که در دهکده‌ای در فاصله ۱۲ میلی ساکس‌موندهام<sup>۸</sup> واقع است می‌روند. گاردینر مردی سی ساله متأهل بود که شغل او سرکارگر آهنگری محل بود و ضمناً رئیس دسته موسیقی جمعیت روحانی

- 1- Newark
- 2- William Gardiner
- 3- Wright
- 4- Skinner
- 5- William Gardiner
- 6- Rose Harsent
- 7- Peasenhall Chapel
- 8- Saxmundhams

متودیست‌های<sup>۱</sup> قدیم بود. هارسنت<sup>۲</sup> نیز دختر جوانی هفده ساله عزب بود که در رستورانی نزدیک بمحل انجمن ده مستخدم بود و این رستوران تا کلبه‌ای که گاردینر با زن و شش فرزند خود در آن زندگی میکرد صد یارد فاصله داشت دو جوان فوق مدعی بودند که صدای گاردینر و دختر را که با لحن ملایمی با یکدیگر سخن میگفتند و حتی دختر چند آیه نابیجا از کتاب مقدس بزبان آورده شنیده‌اند. هنگامیکه کار ماجرا ببازجویی در نزد رئیس فرقه متودیست‌های قدیم کشید گاردینر و دختر گزارش رایت و اسکینر را تکذیب کردند با وجود دو شاهد موافق موضوع بازجویی بجایی نرسید و بگاردینر اجازه ادامه کار در کلیسا داده شد.

صبح روز اول ماه ژوئن ۱۹۰۲ جنازه روزهارسنت دختر پیش گفته را در پای پله‌هایی که باطاق انجمن ده میرفت یافتند درحالیکه ضربه خنجر بقلب او وارد آمده و گلویش نیز بریده شده بود. قاتل کوشش کرده بود که قسمت پائین بدن او را بسوزاند که اگر در این کار توفیق مییافت این حقیقت را که او شش ماهه آبستن است در پرده ابهام میپوشانید. دو روز بعد گاردینر باتهام قتل بازداشت شد و او در وضع وخیمی قرار داشت. در اطاق دختر نامه‌ای یافت شد که او را دعوت کرده بود اگر ساعت ۱۲ مایل است باطاق انجمن ده بیاید، ساعت ۹ بعد ازظهر چراغ پنجره اطاق خود را روشن کند. کارشناس خط نیز وحدت خط را یادستخط گاردینر تأیید کرد. نامه در درون پاکت تیره رنگی بود و شباهت بیپاکاتی داشت که گاردینر در دکان آهنگری معمولاً مصرف میکرد. در پرونده یکی از همسایگان نیز قسم یاد کرده بود که ساعت ۹ بعد از ظهر گاردینر را در کوچه خارج از منزلش که پنجره اطاق دختر بدانجا باز میشد مشاهده کرده است. یکی از شبگردان نیز سوگند یاد کرده بود وقتیکه در ساعت چهار صبح از محل وقوع جنایت میگذاشته (جنایت در ساعت یک بعد از نیمه شب اتفاق افتاده بود) او رد پای رفت و برگشت از منزل گاردینر تا سالون انجمن ده را باکفشهای بزرگ که کف آن میخهای گنده داشت ملاحظه کرده است و گاردینر نیز دارای یک جفت کفش بود که کف آن میخهای بزرگ زیادی داشت. در کلبه گاردینر چاقویی بدست آمد که اخیراً شسته شده بود و با این وصف آثار خون پستانداران برروی آن مشاهده میشد و حجم و اندازه چاقوی مزبور با جنایت انجام شده نیز بی‌تناسب نبود. علاوه برآنچه گذشت شاهد دیگری بنام «روز»<sup>۳</sup> شهادت داده بود که رابطه بین گاردینر و هارسنت پس از بازجوییهای کلیسا ادامه یافته است. در کنار جسد خرده شیشه‌ای که محتوی پارافین و برای سوزاندن از طرف قاتل فراهم شده بود بچشم میخورد. روی پاره‌ای از شیشه مزبور دستور نسخه و میزان استعمال دارویی که برای فرزندان گاردینر تجویز شده بود دیده میشد و این موضوع باثبات رسیده بود که شیشه مزبور را دکتر محلی ششماه قبل بخانم گاردینر برای معالجه فرزندش داده

1- Primitiue Meth odist Corgregativon

2- Rose Harsent

3- Rose

است این مسأله نیز محقق بود که بلباس قاتل خون پاشیده شده ولی لباس آلوده بخون در منزل او یافته نشده ولی استمرار یکی از همسایگان سوگند یاد کرد که در روز يكشنبه که جنازه مقتول یافته شد در موقع غیر عادی بامداد آتشسوزی بزرگی در منزل گاردینر مشاهده کرده است.

خلاصه فوق از ادعای نامۀ دادرسی مرحله دوم گاردینر برداشته شده اولین هیاتی که بموضوع رسیدگی کرد نتوانست تصمیم اتخاذ کند. ژوری دوم نیز با عدم توافق رویرو شد. دادستان بالاخره در محکمه تقاضای تعلیق مجازات را کرد و گاردینر آزاد شد این بود ماحصل پرونده و تصمیم نهایی که در يك چنین پرونده روشن و بیخنده ای گرفته شد آنهم از طرف دادگاه و دستگاه عدالتی که بیطرفی و عدالت خواهی آن شهرت جهانی دارد. و علت غیر مکتشف ماندن حقیقت و نابسامانی موضوع غیر از این نیست که راهنما و چراغدار کارگاه عدالت یعنی وکیل دادگستری در دادرسی دخالت نداشته است. بله: اگر نازی کند از هم فروریزند قالبها.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی